

بررسی فقهی شرط احرام

جهت ورود مجدد به مکه برای عمره‌گزارانی که از مکه خارج شده

احسان سامانی*

چکیده

از آنجا که زائرین خانه خدا گاه برای انجام برخی امور پس از انجام اعمال عمره، ناچار به خروج از شهر مکه می‌شوند، این مسئله مطرح می‌شود که در صورت ورود مجدد به مکه، آیا لازم است محرم شوند یا اینکه بدون احرام نیز می‌توانند وارد مکه مشرفه شوند. آیا جواز ورود به مکه بدون احرام، فقط اختصاص به کسی دارد که ماه ورود مجدد او به مکه همان ماه اهلال (محرم شدن) او باشد یا ماه احلال (از احرام خارج شدن) و یا ماه خروج از مکه؟ آیا مقصود از ماه، ماه قمری است یا ماه عددی و ۳۰ روز؟ آیا نوع احرام سابق (عمره تمتع یا مفرده و یا حج بودن)، تأثیری در حکم مذکور دارد؟ بر اساس پژوهش انجام شده، که به صورت توصیفی - تحلیلی و بر مبنای اطلاعات کتابخانه‌ای است، باید گفت کسی که خارج از مکه مشرفه است، برای ورود به مکه مشرفه باید محرم شود، مگر در صورتی که یک ماه قمری از زمان اتمام عمره قبلی او نگذشته باشد؛ چراکه واژه «شهر»، در روایات انصراف به ماه قمری دارد و نه ماه عددی،

*. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان
esamani63@lihu.usb.ac.ir

و ملاک خروج از مکه در این مسئله، خروج از محدوده حرم است. همچنین فرقی نمی‌کند که احرام قبلی او برای عمره تمتع بوده یا عمره مفرده و یا حج. برای محاسبه ماه نیز، زمان خروج از احرام، ملاک است نه زمان اهلال (محرم شدن) و یا زمان خروج از مکه.

واژگان کلیدی: شرط احرام، عمره گزار، ورود به مکه، گذشت یک ماه، خروج از مکه

مقدمه

قداست و شرافت بیت‌الله الحرام به اندازه‌ای است که ورود به مکه مشرفه و مهمانی خانه خدا بدون احرام جایز نیست (قطیفی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۹۳) و تمامی فقها بر وجوب احرام برای ورود به مکه، اتفاق نظر دارند و از آنجا که احرام، یا برای انجام حج است یا انجام عمره، با محرم شدن، انجام مناسک (حج یا عمره) نیز برای شخص محرم، واجب می‌شود (طباطبایی قمی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۳۱). با این وجود، شخصی که قصد ورود به مکه را دارد اگر بدون احرام به سوی مکه حرکت کند، علی‌رغم معصیت کار بودن - هرچند هنوز وارد مکه نشده باشد - مکلف به قضای عمره نیست (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۴۴۱). همچنین فقها برای ورود به حرم، بدون قصد ورود به مکه، احرام را واجب ندانسته‌اند (قطیفی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۹۲).

البته حکم وجوب احرام برای ورود به مکه مشرفه مطلق نبوده و بر اساس روایات، برخی افراد از این حکم مستثنا شده و حکم وجوب احرام برای ورود به مکه از آنان برداشته شده است؛ مثل افراد مریض، مبطون، اشخاصی که مکرراً رفت و آمد به مکه مشرفه دارند و... یکی دیگر از این موارد جواز - که مسئله مورد بررسی در مقاله پیش رو است - ورود کسی است که بعد از انجام مناسک، درحالی که یک ماه نگذشته، مجدداً وارد مکه می‌شود. از آنجا که این مسئله از چندین جهت مورد اختلاف نظر است و تبیین حکم مزبور، متوقف بر تبیین همه آن مسائل و جهات است، لازم است به طور دقیق تمامی جوانب آن مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

نخست اینکه مقصود از ماه در روایات چیست؟ آیا مراد، ماه قمری (هلالی) است یا ماه عددی و ۳۰ روز؟ یعنی برای وجوب احرام جهت ورود مجدد به مکه، آیا گذشت ۳۰ روز لازم است یا انقضای ماه قمری - ولو اینکه ۳۰ روز فاصله نشده باشد - کفایت می‌کند؟

مسئله دوم - که تأثیر در حکم مسئله مذکور دارد - این است که آیا ماهیت و نوع احرام در این حکم تأثیر دارد؟ بدین معنا که آیا فقط در صورتی که احرام سابق، احرام برای عمره - مفرده یا تمتع - باشد ورود مجدد به مکه در فاصله کمتر از یک ماه، بدون احرام جایز است یا اینکه مطلق احرام - اعم از احرام برای عمره و یا حج - در این فاصله کفایت می‌کند؟ مسئله دیگری که پاسخ بدان در روشن شدن حکم مسئله به ما کمک می‌کند این است که زمان آغاز یک ماه، چه وقتی است؟ آیا مبدأ آغاز و شروع ماه، زمان خروج از مکه است یا ماهی است که در آن مناسک و اعمال انجام شده است؟ و در صورت ملاک بودن ماه انجام مناسک، آیا مبدأ آغاز ماه، زمان مُحرم شدن است یا زمان خروج از احرام؟ بدیهی است که هر یک از ملاک‌های فوق در حکم مسئله مؤثر خواهد بود؛ چراکه بین زمان شروع احرام تا زمان اتمام اعمال چند روز و گاه چند هفته فاصله است. با توجه به این ابهامات - که مکرراً زوار بیت‌الله الحرام در ماه‌های انجام عمره با آن مواجه هستند - لازم است به بررسی دقیق مسئله بپردازیم. در ادامه در قالب شش مسأله، تمامی مسائل و ابهامات مذکور را مورد تحلیل و بررسی قرار خواهیم داد.

۱. وجوب یا عدم وجوب احرام برای ورود به مکه

در خصوص مسئله لزوم و عدم لزوم احرام برای ورود به مکه مشرفه بین فقها اختلاف نظر است و این تفاوت دیدگاه نیز ناشی از فلسفه وجوب احرام برای ورود به مکه می‌باشد. در ذیل به بیان این دو دیدگاه می‌پردازیم.

الف) وجوب احرام

بیشتر فقها قائل به لزوم و وجوب احرام برای ورود به مکه مشرفه می‌باشند. در مقابل، برخی مخالف این نظریه‌اند و این اختلاف نظر، ظاهراً ناشی از فلسفه و علت وجوب احرام برای ورود به مکه است. در خصوص چرایی لزوم احرام برای ورود به مکه، چند وجه مطرح است:

اول اینکه؛ علت لزوم احرام بعد از گذشت یک ماه، این است که برای هر ماه، یک عمره واجب است. اشکالی که به این سخن وارد است این است که طبق این

تعلیل، احرام برای ورود به مکه، مستحب خواهد بود، نه واجب؛ زیرا انجام عمره در هر ماه، واجب نیست، بلکه مستحب است. بنابراین احرام برای انجام آن نیز مستحب است. سید یزدی علت لزوم احرام برای ورود به مکه را همین وجه دانسته است و نه اینکه وجوب احرام، تبعدی باشد یا به خاطر فساد عمره سابق یا به خاطر وجوب انجام احرام بر هر کسی که وارد مکه می‌شود. ایشان صریح‌خبر اسحاق بن عمار را حاکی از این وجه می‌داند؛ آنجا که حضرت علیه السلام فرمود: «أَنَّ لِكُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةً». در نتیجه ایشان حکم و امر به احرام را به نحو استحبایی می‌داند، نه وجوبی (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۴۲۳)؛ زیرا عمره - که موظفیم هر ماه یک بار انجام دهیم - تکلیف واجب نیست، بلکه مستحب است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۶۱۹).

وجه دیگر آن است که علت وجوب احرام، ورود به مکه و شرافت و قداست آن است؛ به عبارت دیگر اگرچه انجام عمره در هر ماه مستحب است، اما وقتی شخص قصد ورود به مکه را داشت، این استحباب به وجوب مبدل می‌شود. بنابراین روایت فوق (انجام عمره برای هر ماه) دلالت بر این دارد که چنانچه شخص در همان ماه، وارد مکه شود، این وجوب احرام برای ورود به مکه از او برداشته شده است. اما در غیر این صورت موظف به احرام است و همانا امام علیه السلام، استحباب انجام عمره در هر ماه را علت برای عدم نفی وجوب احرام برای ورود به مکه می‌داند (حسینی شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۳۲۶). سخن سید یزدی نیز صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا روایت یاد شده ناظر به استحباب عمره نیست، بلکه بیانگر شرط فاصله بین دو عمره است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۸، ص ۱۹۹؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۴۰۲).

همچنین برخی از فقها علاوه بر ورود به مکه، برای ورود به حرم نیز احرام را واجب دانسته‌اند (شیری، ۱۴۲۷ق، ص ۴۱ و ۴۲). نیز برخی از فقها به جهت احتیاط - که مقتضای اصلی عملی در مسئله مذکور است - احرام را چه برای ورود به مکه و چه برای ورود به حرم، واجب دانسته‌اند (سیستانی، ۱۴۳۷ق، ج ۹، ص ۳۴۲).

ب) عدم وجوب احرام

علی‌رغم اینکه اکثر فقها قائل به وجوب احرام برای ورود به مکه هستند، اما سید یزدی قائل به استحباب است. ایشان در کتاب *عروه*، در موردی که ورود شخص به مکه بعد از گذشت یک ماه از زمان خروج باشد، قائل به استحباب احرام شده و در نهایت در حکم وجوب یا استحباب احرام، توقف نموده است. شاید این موضع سید یزدی به خاطر ظاهر کلام فقها بوده که آنان در اینکه پس از گذشت یک ماه، برای ورود به مکه نیاز به احرام است، اتفاق نظر دارند و اختلاف نظر آنان، فقط در مبدأ شروع آن است (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۲۱۵). علاوه بر اینکه ایشان در جای دیگر تصریح می‌کند که هیچ فاصله‌ای بین دو عمره، شرط نیست، بنابراین هر روز می‌توان عمره انجام داد (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۵۹۹).

۲. ملاک خروج برای لزوم احرام مجدد جهت ورود به مکه

همان‌گونه که گفته شد، چنانچه شخص پس از انجام اعمال عمره، به خارج شهر مکه برود و مجدداً قصد ورود داشته باشد، اگر فاصله زمانی، بیش از یک ماه باشد، واجب است برای ورود به مکه مُحْرَم شود. اما اگر شخصی که با احرام وارد مکه شده پس از انجام مناسک و خروج از احرام، چندین ماه در مکه بماند، هیچ تکلیفی به انجام عمره برای ماه‌های بعدی ندارد؛ هر چند این عمل مستحب است. بنابراین مادام که شخص از مکه خارج نشده، تکلیفی به احرام و انجام عمره ندارد و سخن از وجوب احرام وقتی مطرح می‌شود که شخص از مکه خارج شده و قصد ورود مجدد به مکه را دارد. حال سخن این است که مقصود از خروج در روایات و کلام فقها چیست. آیا ملاک، خروج از مکه است یا خروج از حرم؟ همچنین در صورت ملاک بودن خروج از مکه، آیا مراد، خروج از محدوده مکه قدیم است یا محدوده مکه جدید؟ از آنجا که مسئله خروج از مکه از دو جهت در کلام فقها مورد بحث واقع شده است - یکی حکم خروج فردی که برای انجام حج تمتع وارد مکه شده و عمره تمتع را انجام داده و منتظر انجام اعمال حج تمتع است، و دیگری مسئله خروج از مکه، آنجا که موجب وجوب احرام برای ورود مجدد به مکه می‌شود - باید دقت نمود که به ادله و احکام مسئله نخست، برای مسئله دوم یا عکس آن، استناد نشود.

الف) خروج از مکه

برخی از فقها خروج از شهر مکه - و نه حرم - را ملاک دانستند (شیرازی زنجانی، ۱۴۲۱ق، ص ۵۸) و در تعیین حدود شهر مکه نیز گفته‌اند ملاک، شهر کنونی مکه است، نه شهر قدیم (خامنه‌ای، استفتانات، سوال ۶۱۲) و به عبارت دیگر در تعیین محدوده مکه می‌گویند، معنای عرفی مقصود است و خروجی که عرفاً به آن خروج از مکه اطلاق شود، ممنوع است (فیاض کابلی، بی تا، ج ۹، ص ۱۳۹). بنابراین اگر شخص عمره گزار از شهر مکه خارج شود، در صورتی که پس از گذشت یک ماه، قصد ورود مجدد به مکه را داشته باشد، باید محرم شود (لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۷۱؛ خامنه‌ای، استفتانات، سوال ۶۱۲).

برای اثبات این قول به ادله‌ای استناد شده که در آنها واژه «خروج از مکه» استعمال شده و گفته‌اند ادله راجع به این مسئله، ظهور در ممنوع بودن خروج از مکه دارند (لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۷۲)؛ زیرا به مجرد خروج از مکه - هرچند مقدار مسافت طی شده، کمتر از مسافت شرعی باشد یا کمتر از یک فرسخ باشد یا هنوز از محدوده حرم خارج نشده باشد - مخالفت با این نهی، اتفاق می‌افتد و تخلف از دستور شرعی صدق خواهد نمود (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۳۳۵). همچنین برخی، مقتضای اطلاق ادله را ممنوعیت خروج از مکه دانسته‌اند؛ چه آن مکان، نزدیک مکه باشد و چه دور از مکه (طباطبایی قمی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۷۰).

به اعتقاد این دسته از فقها، چون حرمت حرم به خاطر مکه است، بنابراین کسی که داخل مکه می‌شود واجب است محرم باشد؛ هرچند از حرم خارج نشده باشد؛ چراکه حرم خودش به طور مستقل حکمی ندارد تا با انتفای ورود به آن، آن حکم منتفی شود (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۶۱۹).

اما این سخن که گفته شود مراد از مکه در این روایات، «حرم مکه» است، نه «شهر مکه»، و بنابراین آنچه ممنوع است، خروج از حرم خواهد بود، نه مکه، قابل پذیرش نیست؛ زیرا اراده این معنا از روایات، نیاز به قرینه دارد و حال آنکه هیچ قرینه‌ای بر اراده این معنا نیست (فیاض کابلی، بی تا، ج ۹، ص ۱۳۹). همچنین این سخن

که مقصود از خروج، خروج به مقدار مسافت شرعی است - چراکه در برخی روایات مربوط به نماز مسافر، خروج به این معنا به کار رفته است - موجه و پذیرفتنی نیست؛ زیرا اینکه خروج در برخی روایات مبحث نماز مسافر به معنای خروج به مقدار مسافت شرعی استعمال شده، دلیل نمی‌شود که در اینجا نیز بدان معنا باشد؛ چراکه در آنجا برای استعمال خروج در معنای سفر، قرینه وجود دارد؛ برخلاف اینجا که چنین قرینه‌ای وجود ندارد (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۴۱۴). بنابراین حرمت دخول بدون احرام به مکه مشرفه، اختصاص به افراد خارج از حرم ندارد؛ بلکه شامل افرادی که خارج مکه هستند - هرچند اینکه خارج از حرم نباشند - نیز می‌شود (لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۷۱).

ب) خروج از حرم

در مقابل گروه نخست، برخی دیگر از فقها معتقدند ملاک برای صدق خروج، خروج از حرم است؛ نه خود مکه. بنابراین شخصی که از مکه خارج شده، تا وقتی از محدوده حرم خارج نشده است، مطلقاً ضرورتی ندارد برای ورود به شهر مکه، محرم شود. اما اگر از محدوده حرم خارج شود، چنانچه تاریخ ورود او پس از انقضای یک ماه از زمان عمره قبلی باشد، لازم است برای ورود مجدد به مکه محرم شود (عاملی، بی تا، ج ۳، ص ۵۳۴)، لذا روایات وارد در خصوص اینکه اگر شخص در همان ماهی که عمره تمتع انجام داده، وارد مکه شود ملزم به احرام مجدد نیست و اگر در غیر آن ماه وارد شود لازم است مجدداً برای عمره دوم محرم شود، را ناظر به کسی دانسته‌اند که از حرم خارج شده است. بنابراین کسی که از حرم خارج نشده (هرچند از مکه خارج شده باشد) را شامل نمی‌شود (تبریزی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۵۴).

قائلین به این قول در توجیه واژه «مکه» که در روایات آمده، گفته‌اند مقصود، شهر مکه با لوازم و حدود آن است و یکی از لوازم و حدود مکه، حرم است و اصرار بر ملاک بودن خروج از مکه با همان حدود معین و مشخص آن را - خصوصاً در عصر

کنونی که ساختمان‌های مکه بیشتر حرم را در بر گرفته - جمود و تعصب بدون وجه و دلیل دانسته‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۳۷۴).

مؤید این دیدگاه، سخن فقهای است که می‌گویند مقصود از روایات منع خروج از مکه در فاصله بین عمره تمتع و حج، رفتن به مسافتی است که نیاز به انجام عمره مجدد دارد (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۰۰) و در تعیین مقدار این مسافت گفته‌اند خروج از حرم، موجب لزوم احرام برای ورود به مکه است (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۴۳).

بنابراین، اگرچه موضوع ما تبیین حکم خروج از مکه - برای کسی که جهت انجام حج به مکه آمده، عمره گزارده و در انتظار انجام اعمال حج است - نیست، بلکه به دنبال تعیین مسافتی هستیم که شخص با رفتن تا آن فاصله، برای ورود مجدد به مکه (البته بعد از گذشت یک ماه) نیاز به احرام مجدد دارد، اما از این سخن به روشنی می‌توان فهمید ملاک برای وجوب احرام، خروج از حرم است و تا وقتی شخص از حرم خارج نشده، برای ورود به مکه نیاز به احرام مجدد ندارد؛ هر چند بعد از گذشت یک ماه، قصد ورود به مکه را داشته باشد.

از دیگر ادله‌ای که بر این دیدگاه ذکر شده، این است که لزوم احرام با خروج از مکه، موجب مشقت و سختی برای افراد ساکن مکه خواهد بود؛ زیرا باید پیوسته مواظب باشند که از حدود شهر مکه خارج نشوند. علاوه بر اینکه چنین عمره‌هایی از حضرت رسول ﷺ که حدود سیزده سال بعد از بعثت در مکه بودند - در تاریخ منعکس نشده است و حال آنکه همه عمره‌های ایشان ﷺ محدود و مضبوط است (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۶۱۹). بنابراین به جهت عسر و حرج و عدم انعکاس چنین عملی از پیامبر ﷺ در سیزده سال حضور ایشان در مکه مشرفه، خروج از مکه موجب وجوب احرام نمی‌شود؛ بلکه اگر فرد از حدود حرم خارج شود، برای ورود مجدد نیاز به احرام دارد (حائری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۶۷).

همچنین می‌توان گفت روایات دال بر حرمت مکه، شامل حرم نیز می‌شود؛ یعنی مکه و حرم هر دو حرمت دارند و به همین جهت در حرم همانند مکه نیز صید، ممنوع و حرام است. بنابراین بر اساس این دیدگاه - که با توجه به ادله ارائه شده، از قوت بیشتری نسبت به دیدگاه قبلی برخوردار است - با فرض عدم خروج از حرم، برای ورود مجدد فرد

به مکه، احرام لازم نیست. اما در فرض خروج از حرم، چنانچه مجدداً قصد ورود به مکه را داشته باشد، واجب است که محرم شود؛ البته مشروط به اینکه یک ماه از خروج او گذشته باشد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۴۳۹).

۳. ورود به مکه در فاصله کمتر از یک ماه

همان گونه که بیان شد یکی از موارد استثنای وجوب احرام به هنگام ورود به مکه مشرفه، ورود شخصی است که از احرام قبلی او یک ماه نگذشته است. این مسئله فی الجمله مورد اتفاق همه فقهای امامیه بوده (حلی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۷۶) و برخی فقها تصریح نمودند به اینکه هیچ اختلافی در مسئله مزبور، بین فقها نیست (حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۲۶). بنابراین اگر ورود شخص به مکه مشرفه، بعد از احرام او - در حالی که یک ماه از آن نگذشته - باشد، با توجه به اطلاق روایات این باب، که دلالت بر شرط بودن فاصله یک ماهه بین دو عمره دارد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۴۴۲)، برای ورود به مکه مشرفه، احرام واجب نیست (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۰۷).

از جمله این روایات می توان به روایت حماد از امام صادق علیه السلام اشاره نمود که

حضرت می فرماید:

«إن رجع في شهره دخل بغير إحرام، وإن دخل في غير الشهر دخل محرماً...».

«اگر در همان ماه وارد مکه شود، بدون احرام می تواند وارد مکه شود؛ اما اگر در غیر آن ماه وارد شود، باید با احرام وارد مکه شود.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۴۱؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۶۳).

البته در خصوص اینکه مقصود از شهر در این روایت، شهر و ماه خروج از مکه است یا شهر و ماهی که عمره در آن انجام شده، ابهامات و اختلاف نظرهایی وجود دارد که در مباحث آینده، بدان خواهیم پرداخت.

روایت اسحاق بن عمار نیز با مسئله مزبور ارتباط دارد؛ آنجا که ایشان می گوید از امام کاظم علیه السلام در خصوص کسی که بعد از انجام عمره تمتع، به جهت حاجت از مکه به سمت مدینه یا ذات عرق یا ...، خارج می شود، سؤال کردم. حضرت علیه السلام فرمودند:

«یرجع إلى مكة بعمرة إن كان في غير الشهر الذي تمتع فيه؛ لأن لكل شهر عمرة، وهو مرتين بالحج».

«اگر در غیر از ماهی که عمره تمتع انجام داده وارد مکه شود، باید با احرام برای عمره وارد مکه شود؛ زیرا برای هر ماه، یک عمره است و او در گرو حج است.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۶۶۶؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۶۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۳۰۳).

همان‌گونه که روشن است جمله و تعلیل «لأن لكل شهر عمرة» در روایت فوق، دلالت بر این دارد که آنچه موجب سقوط وجوب احرام هنگام ورود به مکه مشرفه می‌شود، انجام مطلق عمره - چه عمره تمتع باشد چه عمره مفرده - در همان ماه ورود است؛ بدین معنا که اگر در همان ماه، عمره انجام داده است در برگشت مجدد به مکه واجب نیست برای انجام عمره مجدد، محرم شود (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۱۸)، اما اگر بعد از گذشت آن ماه وارد مکه شود، برای ورود به مکه واجب است محرم شود. همچنین از آنجا که برای انجام حج تمتع، احرام از داخل مکه صورت می‌گیرد، بنابراین - همانگونه که روایت مقرر می‌دارد - وقتی لازم نباشد برای عمره محرم شود، نتیجه می‌گیریم که شخص می‌تواند بدون احرام و در حال احلال، وارد مکه مشرفه شود و از آنجا در حالی که بدون احرام وارد شده، برای انجام حج تمتع محرم شود (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۳۰۶)، لذا با توجه به روایت فوق، علامه در کتاب تذکره می‌گوید:

«اگر شخص بدون احرام از مکه خارج شود و مجدداً در همان ماهی که از مکه خارج شده، به مکه وارد شود، مستحب است که با احرام حج داخل شود؛ البته برای او جایز است بدون احرام وارد مکه شود.» (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۵۲).

صاحب جواهر نیز می‌گوید: در هر صورت روایت فوق - با توجه به مفهوم آن - دلالت دارد بر اینکه اگر ورود فرد قبل از گذشت یک ماه از احرام عمره قبلی او باشد، جایز است فرد بدون احرام وارد مکه شود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۴۴۴).

بنابراین، با توجه به روایات فوق و دیدگاه فقهای امامیه در خصوص مسئله مزبور، ورود به مکه قبل از گذشت یک ماه، از مواد جواز ورود بدون احرام به مکه مشرفه است؛

اگرچه - همان گونه که از کلام فقها پیداست - در خصوص منظور از گذشت یک ماه، اختلاف نظر است. از آنجا که در مباحث بعدی به بررسی و تبیین این ابهام و اختلاف نظر خواهیم پرداخت، از ورود به آن در اینجا خودداری می‌کنیم.

۴. تأثیر یا عدم تأثیر ماهیت احرام سابق در حکم ورود به مکه

از آنجا که مورد سؤال در روایت حماد و اسحاق، عمره تمتع است، این مسئله مطرح می‌شود که آیا فقط آنجا که احرام سابق برای عمره تمتع بوده، ورود قبل از گذشت یک ماه، نیازی به احرام مجدد ندارد یا اینکه ماهیت و نوع احرام مهم نیست؛ بلکه مهم اصل احرام است، خواه آن احرام برای عمره باشد یا برای حج؟

الف) تأثیر ماهیت احرام سابق

برخی از فقها معتقدند تنها در صورتی شخص می‌تواند بدون احرام وارد مکه شود که احرام سابق او، که یک ماه از آن نگذشته، عمره - تمتع یا مفرده - باشد (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۳۰۷؛ نجفی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۲۴)؛ بلکه برخی - در فرض عدم پذیرش مرسله حفص و ابان - قائل به احتیاط شده و مقتضای اصول عملیه در مسئله مذکور را این دانسته‌اند که تنها در صورتی که احرام سابق، احرام برای عمره تمتع باشد، می‌توان در فاصله کمتر از یک ماه، بدون احرام وارد مکه شد (سیستانی، ۱۴۳۷ق، ج ۹، ص ۳۸۹).

شاید دلیل تخصیص عدم حرمت ورود بدون احرام به این مورد، آن باشد که روایات و ادله جواز ورود بدون احرام به مکه مشرفه، دلالت بر تقدم احرام به عمره قبل از گذشت یک ماه دارد و صحیح آن است که ما بر همین مورد (موردی که قبلاً عمره انجام داده) اکتفا کنیم؛ چراکه اصل این است که برای ورود به مکه باید محرم شد و دلیل خلاف اصل را باید تفسیر مضیق نمود. بنابراین چنانچه احرام قبلی فرد، احرام حج بوده - هر چند فاصله آن تا ورود بعدی به مکه، کمتر از یک ماه باشد - باید با احرام وارد مکه مشرفه شود. روایاتی که دلالت بر جواز انجام عمره، بلافاصله بعد از اتمام اعمال حج دارد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۵۰؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۹، ص ۲۱۴).

نیز مؤید همین نظر است. همچنین برخی فقها در تأیید و اثبات این دیدگاه گفته‌اند: «عموم اخبار نهی از ورود به مکه در حالت احلال - که معارضی نیز ندارند - این دیدگاه را تأیید می‌کنند.» (حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۲۸).

ب) عدم تأثیر ماهیت احرام سابق

برخی فقها مستندات دیدگاه گذشته را مخدوش دانسته و معتقدند صرف احرام سابق، موجب عدم وجوب احرام می‌شود. از جمله اشکالاتی که نسبت به ادله دیدگاه سابق وارد دانسته‌اند می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

اولاً: اگر متن و ظاهر روایت ملاک باشد، در این صورت احرام عمره مفرده سابق نیز موجب جواز ورود شخص به مکه بدون احرام نخواهد بود؛ زیرا در روایات گذشته، فقط احرام عمره تمتع بیان شده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۴۴۴).

ثانیاً: ادله ما در این خصوص منحصر در این دو روایت نیست؛ بلکه روایات دیگری نیز وجود دارد که در آنها هیچ اشاره‌ای به عمره تمتع نشده است؛ مثل روایت حفص و ابان که طبق نقل راوی، از امام صادق علیه السلام در خصوص فردی - بدون اینکه گفته شود احرام سابقش چه بوده است - سوال می‌شود که به دلیل حاجت از حرم خارج شده است. امام علیه السلام در پاسخ می‌فرماید: «إِنْ رَجَعَ فِي الشَّهْرِ الَّذِي خَرَجَ فِيهِ دَخَلَ بغير إِحرام، وَإِنْ دَخَلَ فِي غَيْرِهِ دَخَلَ بِإِحرام» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۲۴۶) یا روایت صحیح جمیل، که با توجه به متن روایت، از امام صادق علیه السلام در خصوص خروج فردی از مکه به سمت جده سؤال می‌شود و امام در پاسخ می‌فرماید: «يَدْخُلُ مَكَّةَ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۶۶) و یا روایات دیگری از جمیل که در پاسخ سؤال، امام علیه السلام می‌فرماید: «لَا بَأْسَ بِأَنْ يَدْخُلَ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ» (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، ص ۹۷) حال آنکه در هر دو روایت جمیل، اشاره‌ای به ماهیت احرام نشده است.

حتی برخی فقها گفته‌اند بر اساس ظاهر روایات مذکور، برای اینکه شخص - آنجا که قبل از یک ماه از خروج به مکه بر می‌گردد - بتواند بدون احرام وارد مکه شود به طور کلی تقدم احرام شرط نیست؛ چه برسد به اینکه نوع خاصی از احرام شرط باشد (نجفی، ۱۴۰۴ق،

ج ۱۸، ص ۴۴۵) بلکه تنها شرط این است که از زمان خروج او یک ماه نگذشته باشد. البته بدون تردید، ظاهر این روایات به جهت مخالفت با اجماع فقها و نیز به دلیل ضعف سندی، حجت و معتبر نخواهد بود (حکیم، ۱۴۱۶ق، ص ۱۱۷). لذا صریح و یا ظاهر کلام بسیاری از فقها، شرط بودن احرام سابق است (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۲۱۹) و حتی برخی ادعا کرده‌اند که در این حکم، اختلافی بین فقها نیست (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۴۴۵).

بنابراین علی‌رغم نظر برخی فقها مبنی بر تأثیر ماهیت احرام در حکم مسأله، با توجه به فتاوی‌ای قریب به اتفاق فقها و نیز اطلاق روایات، صرفاً اصل احرام سابق شرط است و اینکه احرام سابق، برای عمره تمتع بوده یا عمره مفرده (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۲۱۹) یا حتی حج (سیستانی، ۱۴۳۷ق، ج ۹، ص ۳۶۸)، تأثیری در حکم مسئله ندارد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۴۴۵؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ج ۶، ص ۲۳۸)؛ بلکه حتی فرقی ندارد که احرام سابق او برای حج واجب بوده است یا حج مستحب (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۶۲۲).

در خصوص روایاتی که می‌گوید شخص حجگذار می‌تواند بلافاصله عمره انجام دهد، باید گفت این روایات در خصوص جواز انجام عمره است؛ اما بحث ما در خصوص لزوم و وجوب احرام برای عمره است. بنابراین این روایات هیچ منافاتی با جواز ورود به مکه بدون احرام ندارد.

۵. مبدأ تشخیص و تعیین ماه (زمان اهللال، احلال یا خروج از مکه)

پرسش دیگری که راجع به این موضوع مطرح می‌شود آن است که مقصود از ورود به مکه ظرف یک ماه، در روایات چیست؟ آیا منظور یک ماه از زمان خروج از مکه است یا یک ماه از زمان انجام مناسک قبلی؟ در فرض دوم، آیا از زمان احرام سابق، یک ماه شروع می‌شود یا از زمان احلال و خروج از احرام؟ در این خصوص بین فقها اختلاف است و بدون تردید منشأ این اختلاف نظر، روایات مختلفی است که در این رابطه بیان شده است.

الف) ماه انجام مناسک

دیدگاه مشهور فقها در این مسئله آن است که جواز ورود مکه بدون احرام، منوط است به اینکه شخص در همان ماهی که مناسک خود را انجام داده، وارد مکه شود (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۴۰۷؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۴۴۵؛ خویی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۲۸۴؛ سیستانی، ۱۴۳۷ق، ج ۹، ص ۳۶۸). مستند این عده از فقها، موثقه اسحاق بن عمار است که دلالت بر عدم صحت دو عمره در یک ماه می کند (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۸، ص ۱۹۹)، بنابراین وقتی رجوع فرد به مکه در همان ماهی است که عمره نخست را انجام داده، نیازی به انجام عمره دوم نیست؛ بلکه حتی در فرض انجام دادن، صحیح و مشروع نیست. بنابراین روایت حماد که در آن تعبیر به «شهره» شده و تصریح به ماه خروج نکرده، حمل بر ماه انجام عمره می شود (حسینی شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۳۲۸) و این قول با این سخن امام علیه السلام که فرمود «کان ابي مجاوراً هاهنا»، منافاتی ندارد؛ زیرا ظاهراً این سخن ارتباطی با سؤال ندارد (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۶۰). علاوه بر اینکه برخی اخبار، مثل صحیح حفص بن بختری، اصلاً متعرض بیان ماه نشده اند و مرسل صدوق و همچنین مرسل حفص و ابان و نیز آنچه در فقه

۱. البته برخی خلاف این مطلب را بیان کردند قمی، سید حسن طباطبایی، کتاب الحج (للقمی، السید حسن)، ۳ جلد، ج ۲، ص ۵۰۹، مطبعة باقری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۵ق؛ و المستفاد من الروایة الأولى (حماد بن عیسی) أنه إن دخل في شهر الخروج دخل بغير إحرام و إن دخل في غير شهر الخروج دخل محرماً، علی الظاهر من إرجاع ضمير «شهره» إلى الخروج. و المستفاد من رواية اسحاق بن عمار أنه إن دخل في غير الشهر الذي تمتع فيه دخل محرماً، فتكون المعارضة في من دخل في شهر الخروج و لكن بعد الشهر الذي تمتع فيه، فبمقتضى الحديث الأول يدخل بغير إحرام، و بمقتضى الحديث الثاني (اسحاق بن عمار) لا بد و أن يدخل محرماً، فانه دخل في غير الشهر الذي تمتع فيه، فإن قدمنا الرواية الثانية في مورد المعارضة لأنها كانت معللة بأن لكل شهر عمرة أو بواسطة ذيلها من قوله «فإنه دخل في الشهر الذي خرج فيه» و جواب الامام عليه السلام بعمل أبيه فانه مشعر بأن عمله مصداق سؤال السائل، فانه يدل على رجحان الإحرام للدخول، فإن العمل لا يكون ظاهراً في الوجوب بل يكون دالاً على مطلق الرجحان. و إن لم تقدم الرواية الثانية و بقيت المعارضة بحالها فتسقطان بالمعارضة، فلا بد من الرجوع إلى العمومات الدالة على حرمة دخول الحرم محلاً، فلا بد من الإحرام للدخول.

رضوی آمده (منسوب به امام رضا، ۱۴۰۶ق، ص ۲۳۰؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۹۶-۹۷) - هر چند در این روایات ملاک، گذشت یک ماه از زمان خروج دانسته شده - از نظر سندی، ضعیف هستند (خویی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۲۷۴).

قائلین به دیدگاه فوق (ملاک بودن ماه انجام مناسک عمره) نیز در خصوص زمان شروع ماه - که آیا مقصود، زمان محرم شدن است (عاملی ترحینی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۶۱۰). یا زمان خروج از احرام - اختلاف نظر دارند. علامه در خصوص این مسئله نظر قاطعی اعلام نکرده؛ بلکه به صورت مردد گفته است:

«بر هر کسی که وارد مکه می شود واجب است با احرام وارد شود؛ مگر کسی که به طور مکرر به مکه ورود و خروج دارد یا کسی که قبلاً محرم شده و یک ماه از احرام یا احلال او نگذشته است.» (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۲۰).

این تردید و اشکال ناشی از آن است که اخبار و فتاوی راجع به این مسئله را می توان بر هریک از این دو وجه حمل کرد؛ چرا که اصل برائت موافق وجه اول، و اصل احتیاط موافق وجه دوم است (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۳۰۷).

یک - زمان احرام

همان گونه که بیان شد برخی ملاک شروع و آغاز ماه را روز محرم شدن فرد دانسته اند؛ یعنی به اعتقاد آنان، ملاک محاسبه یک ماه، ساعت و روزی است که شخص لباس احرام پوشیده، قصد احرام نموده و تلبیه گفته است. اخباری که می گویند عمره به حساب ماهی تلقی می شود که شخص در آن محرم شده، نه ماهی که در آن از احرام خارج شده - و به همین جهت نیز در شرع برای درک عمره رجیبه، احرام قبل از میقات مشروع دانسته شده است - مؤید قول نخست است (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۳۰۷). همچنین کاشف الغطا مقصود از ماه را، گذشت سی روز از زمان تلبیه و محرم شدن می داند؛ بلکه چه بسا برخی بگویند مبدأ شروع زمان، از زمان نیت احرام است. بنابراین ملاک، گذشت سی شب از زمان انجام احرام یا وقوع احلال و خروج از احرام نیست؛ بلکه بنا بر قول قوی تر ملاک، گذشت سی روز از زمان نیت است (نجفی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۵۳۶).

دو- زمان خروج از احرام

در مقابل، برخی فقها ملاک برای آغاز ماه را زمان خارج شدن از احرام می‌دانند؛ نه زمان محرم شدن. شهید اول (عاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۳۷)، شهید ثانی در کتاب *الروضه البهیة* (عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۷۴) و *مسالك الافهام* (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۷۰)، سید یزدی (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۶۲۰)، مدنی کاشانی (مدنی کاشانی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۲۰۸)، علوی عاملی (علوی عاملی، بی تا، ج ۳، ص ۵۳۶)، قطیفی (قطیفی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۹۶) و شیرازی زنجانی (شیرازی زنجانی، ۱۴۲۱ق، ص ۵۸)؛ از جمله این فقها هستند. سید یزدی در مقام استدلال می‌گوید: «قدر متیقن از جواز ورود بدون احرام به مکه، صورتی است که شخص قبل از گذشت یک ماه از زمان محرم شدن، وارد مکه شود» (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۶۲۰). برخی فقها نیز به استناد روایاتی که ملاک تشخیص عمره رجیبه از شعبانیه و... را زمان و ماه احرام دانستند، گفته‌اند ملاک تشخیص در مسأله، ماه احرام است؛ نه ماه احلال یا خروج (مدنی کاشانی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۲۰۹).

همچنین روایات بیانگر فاصله یک ماه بین دو عمره، مؤید این دیدگاه هستند؛ زیرا عمره وقتی تحقق می‌یابد که تمام اعمال و مناسک آن به اتمام برسد (و از احرام خارج شویم). بنابراین فاصله بین دو احلال و نیز فاصله بین دو احرام، فاصله بین دو عمره نیست. البته مقتضای احتیاط این است که شروع یک ماه را از زمان احرام محاسبه کنیم (قطیفی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۹۶) صاحب ریاض نیز این قول را به اکثر فقها نسبت داده است (حائری طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۲۶).

در مقابل روایات و نیز دیدگاهی که یک ماه فاصله را بین دو عمره شرط می‌دانند، روایاتی وجود دارد که ده روز فاصله را بین دو عمره کافی می‌داند؛ بلکه حتی برخی روایات می‌گویند نیازی به فاصله بین دو عمره نیست. در مقام جمع بین این روایات گفته شده است، چنانچه فاصله یک ماه باشد یا بیشتر، شخصی که وارد مکه می‌شود، بر او واجب است که با احرام وارد مکه شود، اما کسی که هنوز یک ماه فاصله نشده، حال ده روز باشد یا کمتر، جایز یا مستحب - نه واجب - است که هنگام ورود به مکه، محرم شود (قطیفی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۹۷). برخی نیز گفته‌اند ملاک برای وجوب یا عدم

و جوب احرام جهت ورود مجدد به مکه مشرفه، مدت و زمان خاصی نیست؛ بلکه مهم نیت و قصد رجوع به مکه است. اگر شخص نیت برگشت به مکه مشرفه را داشته باشد، برای ورود مجدد نیاز به احرام جدید نیست، اما اگر قصد برگشت نداشته باشد، برای ورود مجدد باید محرم شود (روحانی قمی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۵۰). با توجه به روایات و ادله معتبر مبنی بر شرط بودن یک ماه، این دیدگاه قابل ملاحظه نیست.

ب) ماه خروج از مکه

در مقابل دیدگاه مشهور فقها، برخی دیگر معتقدند مقصود از ماه، ماه خروج از مکه است و ملاک برای محاسبه ماه، زمان خروج فرد از مکه و ورود او به مکه است (آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۲، ص ۳۶۱). بنابراین ممکن است بین دو عمره، بیش از یک ماه فاصله شود؛ هر چند ورود فرد به مکه در فاصله‌ای کمتر از یک ماه از خروجش باشد، مثل اینکه در اول شوال، عمره انجام دهد و در آخر شوال از مکه خارج شود و پس از گذشت بیست روز از ذی القعدة، مجدداً وارد مکه شود (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۶۴؛ محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۸۵). برخی روایات که بیشتر ذکر شد و از جمله آنچه در فقه رضوی آمده نیز مؤید همین دیدگاه است.

نجفی با تمایل به این دیدگاه، برای اثبات آن به روایاتی استناد و استدلال نموده و سخن برخی از فقها را نیز به عنوان مؤید این دیدگاه ذکر کرده است. ایشان صحیحه اسحاق بن عمار را (که مؤید دیدگاه نخست بود) - به دلیل مجمل و مبهم بودن روایت و به جهت اشکالی که ذیل روایت در خصوص احرام از میقات برای حج بود، در حالی که برای حج از مکه محرم می‌شوند، نه میقات - مخدوش می‌داند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۴۴۶). همچنین این روایت با روایات زیادی که ملاک را زمان خروج از مکه دانسته‌اند، معارض است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۴، ص ۳۶۶). حلی و بحرانی نیز با توجه به روایات، همین دیدگاه (زمان خروج از مکه) را پذیرفته‌اند؛ البته منوط به این شرط که خروج فرد از مکه بعد از احرام باشد (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۴۴۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۴، ص ۳۶۵). مرحوم نائینی نیز اگرچه با توجه به روایات، ملاک محاسبه یک ماه را زمان خروج از مکه دانسته است، اما می‌گوید مقتضای احتیاط این است که اگر یک

ماه از زمان احلال او از احرام قبلی گذشته است و بلکه حتی اگر یک ماه از زمان احرام سابق او گذشته، برای ورود مجدد به مکه، محرم شود (حکیم، ۱۴۱۶ق، ص ۱۱۶).

سید یزدی نیز برای اثبات این دیدگاه به صحیح حماد و نیز روایت صحیح حفص بن بختری و مرسله صدوق و رضوی، استناد کرده و می گوید ظاهر این روایات آن است که چنانچه تاریخ ورود بعد از یک ماه از تاریخ خروج باشد، برای ورود به مکه، احرام واجب است؛ مگر اینکه روایات فوق حمل شوند بر مصداق غالب که عبارت است از خروج بلافاصله بعد از عمره. لکن چنین برداشتی از روایت بعید به نظر می رسد (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۶۱۹).

در تقویت این دیدگاه - علاوه بر روایات و ادله گذشته - می توان گفت در روایت حماد نیز واژه «شهره»، ظهور در ماه خروج دارد، نه ماه عمره یا حج؛ زیرا ماه حج در کلام سوال کننده، مفروض است - و لذا برگشت ضمیر به آن متصور نیست - و عمره نیز در کلام او ذکر نشده تا ضمیر صلاحیت این را داشته باشد که به زمان احلال یا اهلال از عمره برگردد. هرچند از فحوای کلام می توان آن را استفاده نمود، اما رجوع ضمیر به آن بسیار بعید است. همچنین تصریح به ماه خروج در روایت «فإن دخل فی الشهر الذی خرج فیه»، مؤید این سخن است (عراقی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۶۹).

۶. مقصود از ماه؛ قمری یا عددی

حال که مبدأ و آغاز ماه مشخص شد، لازم است به بررسی معنا و مقصود واژه شهر (ماه) پردازیم. فهم و برداشت فقها از واژه شهر (ماه)، متفاوت است. برخی فقها در مسئله مذکور معتقدند مقصود از ماه، ماه قمری و هلالی است و برخی واژه شهر را به معنای ماه عددی، یعنی سی روز، دانسته اند. در ادامه به بیان این دیدگاه ها می پردازیم:

الف) ماه عددی

عده ای از فقها، واژه شهر را در روایات مربوط به مسئله مورد بحث، به معنای ماه عددی (سی روز) دانسته اند. کاشف الغطاء به طور صریح بیان می نماید ملاک، گذشت

یک ماه عددی از هنگام تلبیه است (نجفی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۵۳۶). همچنین فاضل هندی (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۳۰۵) و طباطبایی (حائری طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۲۶). این احتمال را ترجیح داده‌اند. حکیم نیز می‌گوید اگر چه ماه، حقیقت در ماه‌های دوازده گانه است، اما در مبحث مزبور مراد از ماه در روایات، ماه عددی و سی روز است (حکیم، ۱۴۱۶ق، ص ۱۱۸). نائینی با تردید از مسئله مذکور، گذشته است (حکیم، ۱۴۱۶ق، ص ۱۱۸). محقق اردبیلی پس از اینکه در ابتدا قائل به تفکیک شده - و گفته است مقصود از ماه نیز ماه هلالی است، اگر ابتدای ماه از مکه خارج شود و سی روز است، اگر خروج فرد مصادف با آغاز ماه نباشد - در پایان احتمال داده در هر دو صورت، اتمام ماه (سی روز) ملاک باشد؛ کما اینکه در امثال این موارد، مقصود اتمام یک ماه است (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۶۵).

ب) ماه قمری یا عددی با توجه به زمان آغاز احرام

عده‌ای از فقها در مسئله فوق هیچ کدام از دو دیدگاه ماه قمری یا عددی را به طور مطلق نپذیرفته‌اند؛ بلکه برای تشخیص و تعیین قمری یا عددی بودن ماه، توجه به زمان آغاز احرام را لازم دانسته‌اند. شهید ثانی (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۷۰)، محقق اردبیلی (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۶۵) و قطفی (قطفی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۹۷) گفته‌اند اگر احرام در ابتدای ماه انجام شود، ملاک ماه هلالی است؛ اما اگر احرام در وسط ماه قمری انجام شود، ملاک گذشت سی روز است. همچنین آملی در کتاب مصباح‌الهدی این دیدگاه را به مشهور فقها نسبت داده است (آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۲، ص ۳۶۰).

ج) ماه قمری

گروهی دیگر از فقها ملاک را ماه قمری به طور مطلق دانسته‌اند؛ بدین گونه که اگر شخص، عمره‌اش را در آخر ماه قمری انجام دهد و سپس از مکه خارج شود و در ابتدای ماه بعد مجدداً وارد مکه شود، باید عمره مجدد انجام دهد. محقق اصفهانی و برخی دیگر از فقها همین دیدگاه را دارند (سید یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۶۲۰). برخی نیز

به دلیل نبود مرجح نسبت به ماه عددی، مقتضای احتیاط را در این دانسته‌اند که مقصود از شهر را ماه قمری بدانیم (سیستانی، ۱۴۳۷ق، ج ۹، ص ۳۸۹).

ظاهراً در روایات هرگاه واژه «شهر» استعمال شود و قرینه‌ای نیز بر اراده معنای خاص از آن نباشد، مقصود ماه قمری (هلالی) است؛ زیرا اولاً واژه شهر، انصراف به ماه قمری (هلالی) دارد، نه تلفیقی (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۴۰۷)، و استعمال واژه شهر در معنای مطلق شهر - هرچند به نحو تلفیقی (به معنای سی روز) - همانا در جایی است که دلیلی بر اراده این معنا وجود داشته باشد، ثانیاً علاوه بر دلیل انصراف، ظاهر برخی از روایات نیز اراده معنای غیر تلفیقی است. در موثقه اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل شده که ایشان علیه السلام فرمود: «سال، دوازده ماه است و برای هر ماه، یک عمره اعتبار شده است». همچنین در روایتی علی بن ابی حمزه می‌گوید از امام ابوالحسن علیه السلام در خصوص تکلیف فردی سؤال کردم که سالی یک یا دو یا چهار بار وارد مکه می‌شود. امام فرمود: «وقتی وارد مکه می‌شود، باید در حال تلبیه (احرام) باشد و وقت خروج باید از احرام خارج شده باشد» و فرمودند: «برای هر ماه، یک عمره است» (آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۲، ص ۳۶۰).

با توجه به این نکات، سید نیز در تعلیقه خود بر کتاب عروه، این احتمال را - هرچند قائلین به آن اندک هستند - قوی شمرده است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۶۲۰) بنابراین طبق این دیدگاه، چنانچه شخصی در آخر ماه قمری، عمره خود را انجام دهد و سپس از مکه، خارج و در ابتدای ماه قمری بعد، مجدداً به مکه وارد شود، بر او واجب است که عمره مجدد انجام دهد (مدنی کاشانی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۲۰۸).

نتیجه‌گیری

از آنجا که برخی اوقات در ایام حج یا عمره، پس از انجام اعمال، زوار ناچار می‌شوند به خارج از شهر مکه بروند و مجدداً برگردند، این سؤال مطرح است - خصوصاً آنجا که روزهای آخر ماه قمری اعمال را انجام داده و روزهای نخستین ماه جدید از مکه

خارج شده - که آیا برای ورود مجدد به مکه، احرام مجدد ضروری است؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد مقصود از خروج - که با تحقق آن لازم است برای ورود مجدد به مکه محرم شود - خروج از حرم (نه مکه) است. همچنین کسی که قبلاً محرم بوده، چنانچه در همان ماه قمری که اعمال خود را انجام داده، مجدداً به مکه برگردد، ملزم به احرام مجدد نیست. اما اگر ماه ورود مجدد او به مکه، غیر از ماهی باشد که اعمال عمره قبلی را در آن انجام داده، برای ورود مجدد نیاز به احرام دارد. مقصود از ماه نیز در روایات، ماه قمری است؛ نه ماه عددی. همچنین آنچه اهمیت دارد اصل احرام در سابق است و ماهیت احرام سابق - عمره تمتع باشد یا مفرده یا حج - تأثیری در حکم ندارد.

منابع

۱. آملی، میرزا محمد تقی، (۱۳۸۰ق)، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ۱۲ جلد، تهران، چاپ اول.
۲. ابن ادريس، محمد بن احمد، (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (و المستطرفات)، ۳ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۴. اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ۱۴ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۵. اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، ۱۱ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۶. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۲۵ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.

۷. تبریزی، جعفر سبحانی، (۱۴۲۴ق)، الحج فی الشریعة الإسلامية الغراء، ۵ جلد، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
۸. تبریزی، جواد بن علی، (۱۴۲۳ق)، التهذیب فی مناسک العمرة و الحج، ۳ جلد، قم، دار التفسیر، چاپ اول.
۹. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، (۱۴۲۳ق)، موسوعة الفقه الإسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام، ۱۱ جلد، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول.
۱۰. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، (۱۴۰۹ق)، الشرح الصغیر فی شرح مختصر النافع - حدیقة المؤمنین، ۳ جلد، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی علیه السلام، چاپ اول.
۱۱. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل (ط - الحدیثه)، ۱۶ جلد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۳۰ جلد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۱۳. حکیم، سید محسن طباطبایی، (۱۴۱۶ق)، دلیل الناسک - تعلیقه و جیزه علی مناسک الحج (للنائینی)، ۱ جلد، نجف اشرف، مدرسه دارالحکمه، چاپ سوم.
۱۴. حکیم، سید محسن طباطبایی، (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروة الوثقی، قم، مؤسسه دارالتفسیر، چاپ اول.
۱۵. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۴ق) تذکره الفقهاء (ط - الحدیثه)، ۱۴ جلد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۱۶. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۱۵ جلد، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیه، چاپ اول.
۱۷. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۳ق)، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، ۳ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۱۸. حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۱۸ق)، المختصر النافع فی فقه الإمامیه، ۲ جلد، قم، مؤسسه المطبوعات الدینیّه، چاپ ششم.

۱۹. حلی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵ق)، الجامع للشرائع، مؤسسة سيد الشهداء العلمية، قم، چاپ اول.
۲۰. خویی، سیدابوالقاسم موسوی، (۱۴۱۰ق)، المعتمد فی شرح المناسک، ۳ جلد، قم، منشورات مدرسه دارالعلم - لطفی، چاپ اول.
۲۱. خویی، سیدابوالقاسم موسوی، (۱۴۱۶ق)، معتمد العروة الوثقی، ۲ جلد، قم، منشورات مدرسه دارالعلم - لطفی، چاپ دوم.
۲۲. خویی، سیدابوالقاسم موسوی، (۱۴۱۸ق)، موسوعة الإمام الخوئی، ۳۳ جلد، قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی علیه السلام، چاپ اول.
۲۳. سبزواری، سید عبدالأعلى، (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام، ۳۰ جلد، قم، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیت الله، چاپ چهارم.
۲۴. سیستانی، محمدرضا، (۱۴۳۷ق)، بحوث فی شرح مناسک الحج، بیروت، دارالمورخ العربی.
۲۵. شاهرودی، سید محمود بن علی حسینی، (۱۴۰۲ق)، کتاب الحج، ۵ جلد، قم، مؤسسه انصاریان، چاپ اول.
۲۶. شبیری زنجانی، سید موسی، (۱۴۲۱ق)، مناسک الحج، ۱ جلد، قم، مؤسسة الولاة للدراسات، چاپ اول.
۲۷. شبیری زنجانی، سید موسی، (۱۴۲۷ق)، مناسک زائر، ۱ جلد، قم، شهاب الدین، چاپ اول.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الإمامیة، ۸ جلد، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم.
۲۹. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۹۰ق)، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، ۴ جلد، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول.
۳۰. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحكام، ۱۰ جلد، تهران، تحقیق خراسان، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
۳۱. عاملی، محمد بن مکی، (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة، ۳ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۳۲. عاملی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ق)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ۱۵ جلد، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، چاپ اول.
۳۳. عاملی، محمد بن علی موسوی، (۱۴۱۱ق)، مدارک الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، جلد ۷ و ۸، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.

۳۴. عراقی، آقا ضیاء الدین، علی کزازی، (۱۴۱۴ق)، شرح تبصرة المتعلمين، ۵ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۳۵. علوی عاملی، میرسیداحمد، مناهج الأخیار فی شرح الاستبصار، ۳ جلد، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول.
۳۶. قطیفی، احمد بن صالح، (۱۴۲۲ق)، رسائل آل طوق القطیفی، ۴ جلد، بیروت، دارالمصطفی لإحياء التراث، چاپ اول.
۳۷. قمی، سیدتقی طباطبایی، (۱۴۲۵ق)، مصباح الناسک فی شرح المناسک، ۲ جلد، قم، انتشارات محلاتی، چاپ اول.
۳۸. قمی، سیدمحمد حسینی روحانی، (۱۴۱۹ق)، المرتقی إلى الفقه الأرقی - کتاب الحج، ۲ جلد، تهران، مؤسسه الجلیل للتحقیقات الثقافية (دار الجلی)، چاپ اول.
۳۹. کابلی، محمد اسحاق فیاض، تعالیق (۱۳۷۴ش)، مبسوطه علی العروة الوثقی، ۹ جلد، قم، انتشارات محلاتی، چاپ اول.
۴۰. کاشانی، حاج آقارضا مدنی، (۱۴۱۱ق)، براهین الحج للفقهاء و الحجج، ۴ جلد، کاشان، مدرسه علمیه آیت الله مدنی کاشانی، چاپ سوم.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ق)، الکافی، ۸ جلد، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
۴۲. گلپایگانی، لطف الله صافی، (۱۴۲۳ق)، فقه الحج، ۴ جلد، قم، مؤسسه حضرت معصومه علیها السلام، چاپ دوم.
۴۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۱۱ جلد، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
۴۴. محقق داماد یزدی، سیدمحمد، (۱۴۰۱ق)، کتاب الحج، ۳ جلد، قم، چاپخانه مهر، چاپ اول.
۴۵. منسوب به علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، (۱۴۰۶ق)، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ۱ جلد، مشهد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۴۶. نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.

۴۷. نجفی، کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، (۱۴۲۲ق)، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط - الحدیثه)، ۴ جلد، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیة قم، چاپ اول.
۴۸. نجفی، کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر، (۱۴۲۲ق)، انوار الفقاهة - کتاب الحج، ۱ جلد، نجف، مؤسسه کاشف الغطاء، چاپ اول.
۴۹. نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۲۸ جلد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۵۰. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، (۱۴۱۹ق)، العروة الوثقی (المحشی)، ۵ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیة قم، چاپ اول.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی